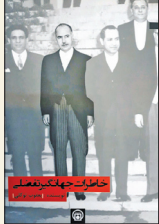


## پیش‌خوان

## به بهانه انتشار خاطرات جهانگیر تفضلی سانسورچی شاه در قیام ۱۵ خرداد!

■ **شاهد توحیدی**



اثر مورد معرفی، دربردارنده خاطرات جهانگیر تفضلی، از دولتمردان رژیم پهلوی دوم است که پرده از برخی روند‌های سیاسی و فرهنگی حکومت‌شاه برمی‌دارد.

خاطرات تفضلی، نشان‌دهنده چگونگی تکوین یک شخصیت سیاسی، در حکومت پهلوی است. تفضلی یکی از رجال علاقه‌مند و به تمام معنا وابسته به رژیم پهلوی و به تعبیر خودش، مخلص و چاکر شاه بوده است! متن اولیه خاطرات تفضلی را، مرحوم دکتر ابوالقاسم تفضلی در اختیار پژوهشکده تاریخ معاصر قرار داده است. هر چند در متن اولیه خاطرات تفضلی، بخش عمده‌ای از زندگی سیاسی او ناگفته مانده اما پارهای از اسرار پشت پرده حاکمیت پهلوی، به وسیله او فاش شده است. این خاطرات، از آن روی که تفضلی دوست نزدیک اشرف پهلوی و عبدالحسین هزیر و مورد اعتماد محمدرضا پهلوی بوده، دارای اهمیت است.

از جمله مواردی که تفضلی در خاطرات خود تلاش کرده آن را ناگفته بگذارد، چگونگی انتصاب وی به ریاست تبلیغات و انتشارات رادیو، یا سمت مشاور در کابینه اسدالله علم در سال ۱۳۴۲ است. جهانگیر تفضلی در این خاطرات، اذعان کرده است که چگونه و طی چه روندی، از یک مخالف رژیم پهلوی و یک چپ‌گرو و دم‌وکرات با‌صلاط روشتنفر، به یک نظریه‌پرداز دربار، تغییر جایگاه می‌دهد. این امر نه به قصد افشای رژیم، بلکه در قالب یادداشت‌های شخصی است، که غالباً جنبه دفاع از خود دارد. در این کتاب اسنادی است، که نشان می‌دهد تفضلی در جریان سفر معروف شاه به قم در ۴ بهمن ۱۳۴۱ با وی همراه بوده است. او سخنرانی معروف و تاریخی شاه را، از قبل نوشته و تنظیم کرده بود. تفضلی در این سخنرانی از زبان



نین‌عقوب‌پوری یکی از بزرگ‌ترین جهانگیر تفضلی

شاه، رشت‌ترین، رکیک‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین توهین‌ها را، به روحانیت روا داشت. آنها را به ارتجاع سیاه تشبیه کرد و خطر آنها را از ارتجاع سرخ، بیشتر دانست! این سخنرانی به قدری زنده بود، که علاوه بر عکس‌العمل شدید امام خمینی (ره)، روحانیت و مردم، حتی مسئولان خبری رژیم، نظیر نصرت‌الله معینیان نیز، مجبور شدند بخشی از آن را سانسور کنند! سخنانی که به قول احسان نراقی مشاور برجسته شاه، آغاز انقلاب و شمارش معکوس عمر رژیم پهلوی بود. حضرت امام در سخنرانی معروف خود– که به شدتگسگری ایشان و قیام تاریخی ۱۵ خرداد منجر شد– در اشاره به سخنرانی جنجالی شاه، وی را نصیحت کرده و گفتند: «هرچه دیگران به تو دیکته می‌کنند و به دست تو می‌دهند را، تکرار می‌کنی!» در پی این سخنرانی در عصر عاشورا، دستگیری پهلوسی در نیمه‌شب ۱۵ خرداد، امام را دستگیر کرد. از نکات جالب کتاب، ارائه‌سندهایی از صورت مذاکرات هیئت دولت به ریاست اسدالله علم، در روزهای ۱۵ تا ۲۰ خرداد ۱۳۴۲ است. این اسناد نشان می‌دهد که در برابر اعتراضات مردم، روشنفکرانی مانند تفضلی و همچنین پرویز ناتل خانلری و محمدباهری، بیش از نظامیان خواستار کشتار وسیع و حکومت نظامی بودند!

برحسب تصریح دیپاچه این اثر، هدف پژوهشکده تاریخ معاصر از انتشار این خاطرات، بیان حقایقی از سرزنوشت و تاریخ سیاسی ملت ایران، به عنوان عرصه تکتازی بیگانگان است. یعقوب توکلی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران– که کتاب بازداشت جهانگیر تفضلی در اردوگاه متفقین را، که در روزنامه «پران‌ما» منتشر شد، در بخش دوم کتاب آورده است. کتاب «خاطرات جهانگیر تفضلی» با قیمت ۷هزار تومان و در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه، در دسترس علاقه‌مندان به تاریخ قرار گرفته است.

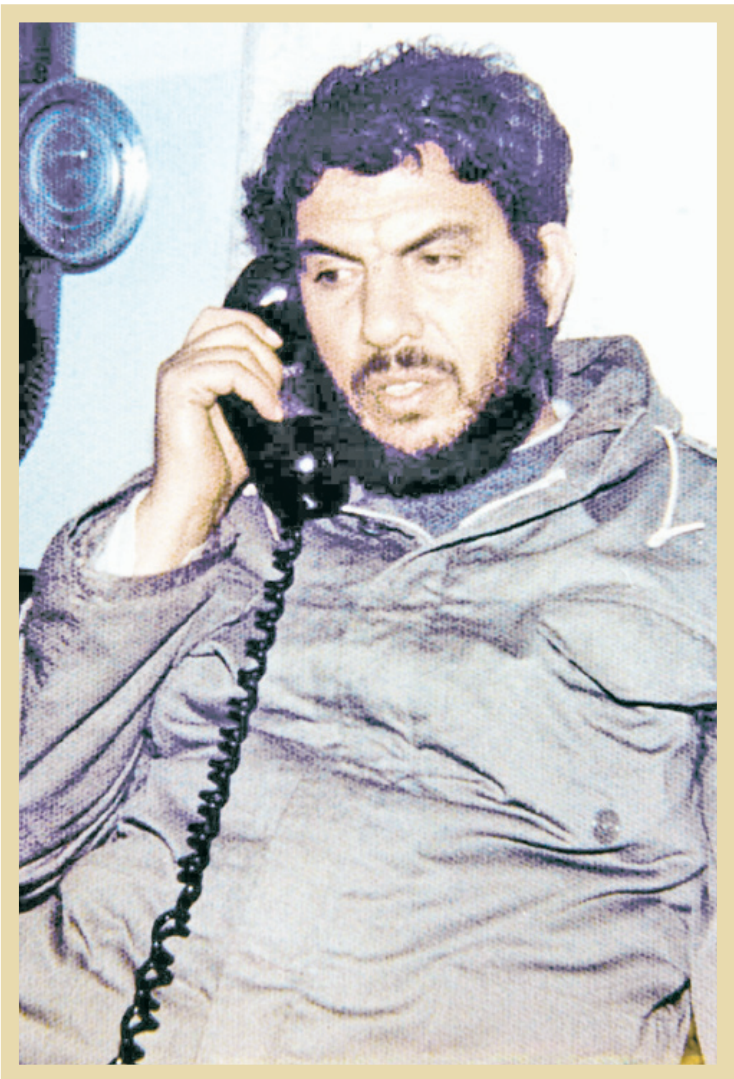
■ **معصومه محرمی**

در این گفت و شنود روایت جهاد و پایمردی شخصیتی را واگویم کرده‌ایم که به رغم شهرت، چندان شناخته شده نیست!زنده یاد حجت‌الاسلام والمسلمین غلامرضا حسینی، از مجاهدانی است که تمامیات ارضی کشور در منطقه شمال غربی، مرهون رشادت و پایمردی اوست و هم‌ا از این رو، بهای این دلیری را، با تحمل امواج سهمگین ترور و شخصیت پرداخت!پاسپاسی از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد فخری داماد آن بزرگوار، که سعادتِ ما ما به گفت و گوگوشنستند.

■ ■ ■

**شما به عنوان داماد زنده یاد حجت‌الاسلام والمسلمین غلام‌رضا حسینی و چهره‌ای که در زمره نزدیک‌ترین افراد به ایشان بودی، شخصیت آن بزرگوار را چگونه توصیف می‌کنید؟ کدام بعد از شخصیت ایشان برای شما جذاب‌تر است؟**

بسم الله الرحمن الرحیم. بر حسب آنچه که بنده از نزدیک شاهد آن بودم، عرض می‌کنم مجاهد نستوه، مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌شیخ غلام‌رضا حسینی (رضوان الله تعالی علیه)، انسانی شجاع، بااستعداد، متواضع و مهربان بود. جذاب‌ترین ویژگی ایشان، صداقت و صراحت‌لهجه بود. آن بزرگوار، همواره به مسئولان، رعایت حقوق مردم را سفارش می‌کردند. آقای حسینی در روستای بزرگ‌آباد– که زادگاه ایشان است– زمین کشاورزی داشتند و فرزندانشان در حال حاضر نیز، در همان روستا مشغول کشاورزی هستند. به فرزندان سفارش می‌کردند روزی حلال، از کشاورزی مستعد بودند کشاورزی، زیر بنای اقتصاد کشور است و دولت‌مردان باید بیش از اینها، به کشاورزی بها دهند. ربالی از بیت‌المال استفاده و حقوقی هم‌بابت امامت جامعه، دریافت نمی‌کردند. در برابر خانواده، خود را مسئول و متعهد می‌دانستند. حقوق فرزندان را رعایت می‌کردند. اولویت را، نیکی به دختران– که در اسلام مردم



۱۳۵۸ زنده‌یاد حجت‌الاسلام والمسلمین غلام‌رضا حسینی در یادگان پیرانشهر

**«جستارهایی در تاریخچه مبارزات زنده یاد حجت‌الاسلام والمسلمین غلام‌رضا حسینی» در گفت و شنود با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد فخری**

# هدف موج تخریب‌ها بود اما یک دم عقب‌نشینی نکرد

سفارش شده است– قرار می‌دادند. به دختران، سفارش نیکی و خوش‌رفتاری با همسرانشان را داشتند. همواره روابط عاطفی‌شان با خانواده، برقرار بود. توصیه می‌کردند نهاد خانواده، کانون رشد و آموزش است و باید حفظ آن، در اولویت باشد.

**نقطه شروع زندگی مبارزاتی مرحوم حسینی، از چه مقطعی بود؟ دلیل گرایش‌شان به مبارزه مسلحانه، چه بود؟ از مبارزات ایشان، چه خاطراتی دارید؟**

آقای حسینی، پدرشان را در ۱۴سالگی از دست دادند. دو سال بعد از آن، به توصیه مادرشان، یک اسلحه تهیه می‌کند تا بتواند از خود و خانواده‌شان، در برابر اشرار منطقه دفاع کند. ایشان در تیراندازی خیلی ماهر بودند. ایشان، روحیه حماسی و ظلم‌ستیزی بالایی داشتند. همیشه به طر‌فداری از حق سفارش و به کلام امام علی(ع) در نهج‌البلاغه استناد می‌کردند: «کونوا لظالم خصما و للمظلوم عونا»/ از مظلوم حمایت کنید و علیه ظالم باشید». آن بزرگوار از اوان زندگی، فردی مبارز بودند. روحیه انقلابی و حماسی ایشان، زبانزد عوام و خاص بود و از اول شروع نهضت حضرت امام، در متن مبارزات قرار داشتند. نقطه شروع مبارزات انقلابی ایشان، به طوری که در کتاب خاطرات‌شان ذکر شده، برمی‌گردد به دوران تحصیلات در حوزه علمیه قم، در سال‌های اولیه دهه ۳۰. در این باره می‌گویند: «یک روز اطلاع پیدا کردم که شهید سیدمجتبی نواب صفوی رهبر فدائیان اسلام، در مدرسه فیضیه سخنرانی دارند. به فیضیه رفتم و موضوع سخنرانی شهید نواب، ظلم‌ستیزی بود و در مورد مظالم رژیم شاه می‌گفت. نحوه بیان نساب، در روحیهام بسیار تأثیرگذار بود. از همان جا، مبارزات من علیه رژیم شاه شروع شد. البته اعمال و رفتار آیت‌الله شیخ محمدامین رضوی سلسوزی یکی از علمای بزرگ استان– که علیه شاه روشنگری می‌کرد– بر افکار من تأثیر بسزایی داشت…» ایشان در مقابل امام جمعه شهر ارومیه– که در آن زمان، منصوب شده و در خطبه‌ها ناگسوی او بود– ایستاد. خود در روستای بزرگ‌آباد، نماز جمعه برگزار و مشکلات مردم

## عاریخ

کفت و گوگرم ۸۸۴۹۸۴۲۷

می‌باشد، می‌گوید بهتر است به گونه‌ای عمل نشود که باعث ایجاد مشکل شود! ایشان تلویحا به نقش آقای حسینی در استان اشاره و اذعان کرده بودند که این تندروی‌ها، نباید موجب آشوب بیشتر شود! در همین رابطه، نماینده آیت‌الله شریعتمداری با هدف متقاعد کردن آقای حسینی به دست برداشتن از مبارزه، به دیدن ایشان می‌آید و با استفاده از عبارت «کلام الملوک، الملوک الکلام» پیام آقای شریعتمداری را به ایشان می‌رساند. آقای حسینی با قاطعیت در پاسخ به ایشان می‌گویند: «ملاک عمل من نجف و آیت‌الله خمینی است، نه آیت‌الله شریعتمداری». حضرت آیت‌الله رئیسی ریاست محترم قوه قضائیه، در همایش علمای استان آذربایجان غربی در سال ۱۳۹۶، این حواله را در وصف ایشان فرمودند: «روحانی باید زمان‌شناس باشد، مثل آقای حسینی. ایشان زمان را شناختند، خودشان مسلح شدند و دیگران را نیز، مسلح نمودند و این استان را، از توطئه‌های بزرگ نجات دادند.»

**سر آغاز آشنایی ایشان با امام خمینی و اندیشه‌های مبارزاتی ایشان، از چه دوره‌ای بود؟**

ایشان از همان آغاز نهضت امام خمینی، علاقهای ویژه به ایشان داشتند، به طوری که در کتاب خاطرات‌شان می‌گویند: «سال‌ها پیش از آغاز نهضت اسلامی، در حوزه علمیه قم مشغول تحصیل بودم. آن موقع حضرت امام خمینی در مسجد سلماسی قم، درس خارج از اصول فقه داشتند و من رفیقی داشتم به اسم آیت‌الله سیدصادق مردنی، که از شاگردان حضرت امام بود. ایشان روزی به من گفت بیا به زیارت حضرت امام برویم و من قبول کردم. خدمت امام که رسیدیم، ایشان بنده را معرفی کردند و گفتند آقای حسینی اسلحه هم دارد! حضرت امام به بنده فرمودند: «آقای حسنی! اسلحه را برای چه تهیه کرده‌ای؟» بنده عرض کردم: «اگر اجازه بفرمایید، می‌خواهم شاه را بکشم!» امام تبسم کرده و بنده را دعا فرمودند. این اولین دیدار بنده با امام بود». در سال ۱۳۴۱، زمانی که لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی توسط دولت وقت ارائه می‌شود، حاج‌اقسا مخالف این لایحه بودند. به همین دلیل از ارومیه به قم و دیدار حضرت امام می‌روند و یک شماره از مجله زن روز را هم، به همراه می‌برند. آیت‌الله مشکینی هم، در آنجا حضور داشتند. متن را برای امام می‌خوانند، که در آن نوشته بود: «همان طور که مردان می‌توانند چهار زن اختیار کنند، چرا زنان کشور نتوانند چهار مرد برای خود برگزینند؟» امام متأثر می‌شوند و غیرت و محبت ایشان را می‌ستایند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم، به دیدار امام خمینی می‌روند. در این باره خودشان نقل می‌کردند: «در روزهای

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در اردیبهشت ۱۳۵۸ با بعدای از روحانیون ارومیه، به قم و دیدار حضرت امام رفتیم. به دفتر ایشان که وارد شدیم، مسلح بودم. محافظین گفتند یک اسلحه را تحویل بدهید. گفتم باید با اسلحه خدمت امام برسم. مسئله مورد بحث قرار گرفت. من با اصرار گفتم می‌خواهم با اسلحه خدمت امام برسم. گویا یکی از محافظین، خدمت امام می‌رسد و به امام عرض می‌کند آقای حسینی از ارومیه آمده و اسلحه را تحویل نمی‌دهند! امام می‌فرمایند من ایشان را می‌شناسم، ایشان در زمان شاه هم مسلح بود! در این جلسه، حضرت امام فرمودند همه ما باید مثل آقای حسینی، مسلح باشیم!»

**با توجه به وقایع سال ۱۳۵۸در استان آذربایجان غربی و بروز درگیری‌های قومی با تحریک گروهک‌های ضدانقلاب، در روزهای آغازین تأسیس نظام اسلامی، نقش ایشان در مهار این فائله را، چگونه می‌بینید؟**

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بسا تحریک گروهک‌های ضدانقلاب، در مناطق غرب کشور از جمله استان آذربایجان غربی، توسط عوامل حزب دموکرات و کومله، درگیری‌هایی به وجود آمد و فائله نتهده، آشوبیه و پیرانشهر، مهم‌ترین مصداق آن به شمار می‌رفت. به آقای حسینی اطلاع دادند بنده به شدت درگیر شده و ضدانقلاب در تاش است تاین شهر را، در اختیار خود قرار بگیرد. این وارد عمل می‌شود و با جمعی از نیر‌وهای مسلح خود، به سوی نتهده حرکت می‌کنند و وارد شهر می‌شوند. مردم غیرتمند سلسوز، از حضور آقای حسینی روحیه می‌گیرند و جانانه با ضدانقلاب درگیر می‌شوند و با شجاعت، تمام ضدانقلاب را شکست می‌دهند. فرمایشات مقام معظم رهبری در تجلیل از خدمات مرحوم آقای حسینی، گویای فداکاری و مجاهدت‌های ایشان در آن دوره است: «خوب است یادی کنیم از آقای حسینی… ایشان جزو کسانی است که در این حوادث انقلاب اسلامی، الحق والانصاف امتحان خوبی دادند. در دوران مبارزات، دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، زمان جنگ و بعد از جنگ، به ویژه در قفقایای اشنوبیه و نتهده، مجاهدت‌هایی کردند که فراموش نشدن است.»

**از نظر شما، دلیل فضا سازی رسانه‌های جریان موسوم به اصلاحات، درباره سخنان و مواضع ایشان در خصوص مسائل سیاسی روز، چه بود؟**

خوب است جواب این سؤال را، از زبان خود آقای حسینی بشنویم. یکی از دوستان که–خودشان اهل قلم هستند– نقل می‌کنند: در زمان دولت خاتمی، روزنامه‌های جریان اصلاحات، هم‌منوا با رادیو تلویزیون‌های بیگانه، به شخصیت مرحوم آقای حسینی اهانت و سخنانشان را آمیخته با تحریف منمکس می‌کردند. اینکه ایشان هیچ واکنشی از خودشان نشان نمی‌داد، ما را گله‌مند کرده بود.

با بعدای از جوانان تصمیم‌گرفتم، از ایشان دفاع کنیم. متن مختصری از رشادت‌های حاج‌آقا، را روی کاغذ نوشته و با هزینه خودمان منتشر کردیم. ایشان که متوجه این موضوع شدند، به محافظین خود سفارش کردند، این امر انجام شود. بعد از این قضیه خدمت ایشان رسیدیم. حاج‌آقا گفتند چرا این کارها را می‌کنید؟ گفتیم چون خودتان دفاع نمی‌کنید و از طرفی بر ماحق دارید! این کار، انجام می‌دهیم. آقای حسینی گفتند: «همه هستی‌ام فدای اسلام و ولایت باشد، من وظیفه دارم از ولایت دفاع کنم، نه از خودم!» این دوست ما می‌گفتند ما آن روز، به عظمت شخصیت ایشان پی بردیم. ایشان حمایت از انقلاب اسلامی، ولایت‌فقیه، امام خمینی و امام خامنه‌ای را، تکلیف خود می‌دانستند. همین حمایت‌های صریح ایشان، علت حملات ضدانقلاب بود. همیشه تأکید می‌کردند: «مگر ما بمیریم که فتنه‌گران و ضدانقلاب، دوباره برگردند!» حاج‌آقا در فتنه ۱۳۸۸، جزو اولین کسانی بودند که موضعی صریح و قاطع علیه فتنه‌گران داشتند و بر محاکمه و برخورد قاطع با ایشان تأکید می‌کردند. می‌گفتند: «مادامی که کلاشینگف در دست ماست، اجازه نمی‌دهیم که فتنه‌گران دوباره برگردند! آنها طوری طلبکارانه اظهار نظر می‌کنند، که گویی نظام باید توبه کند و نه آنها، یا نظام برائت بجوید و نه آنها». یک بار آیت‌الله سیداحمد خاتمی، با تقدیر از مواضع انقلابی آقای حسینی گفتند: «جهاد و مبارزه حجت‌الاسلام حسینی در مقابل فتنه‌گران را، مردم باید یاس دارند. در سال‌های گذشته با وجودی که ایشان هدف موج عظیمی از تخریب‌ها و بی‌حرمتی‌ها بودند ولی با حفظ بصیرت، همراه با مردم به مقابله با فتنه‌گران پرداختند.»

**تلاش رسانه‌های ضدانقلاب و اصلاح‌طلب، همواره معطوف به ترسیم چهره‌ای خشن، از مرحوم حسینی بوده است. در این باره چه دیدگاهی دارید؟**

نه، این طور نیست. ایشان انسانی بسیار متواضع، مهربان و بامحبت بودند. اگر چه همواره دست به اسلحه می‌بردند و در میدان جهاد و دفاع حضور داشتند، اما درونشان عاری از خشونت بود. در روزهای آغازین انقلاب، تعدادی از جوانان آگاهانه یا ناآگاهانه، مغازه‌ها را آتش می‌زدند اما ایشان ممانعت کردند. در ارومیه کارخانه مشروب‌سازی هم، به همراه می‌برند. آیت‌الله مشکینی هم، در آنجا حضور داشتند. متن را برای امام می‌خوانند، که در آن نوشته بود: «همان طور که مردان می‌توانند چهار زن اختیار کنند، چرا زنان کشور نتوانند چهار مرد برای خود برگزینند؟» امام متأثر می‌شوند و غیرت و محبت ایشان را می‌ستایند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم، به دیدار امام خمینی می‌روند. در این باره خودشان نقل می‌کردند: «در روزهای

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در اردیبهشت ۱۳۵۸ با بعدای از روحانیون ارومیه، به قم و دیدار حضرت امام رفتیم. به دفتر ایشان که وارد شدیم، مسلح بودم. محافظین گفتند یک اسلحه را تحویل بدهید. گفتم باید با اسلحه خدمت امام برسم. مسئله مورد بحث قرار گرفت. من با اصرار گفتم می‌خواهم با اسلحه خدمت امام برسم. گویا یکی از محافظین، خدمت امام می‌رسد و به امام عرض می‌کند آقای حسینی از ارومیه آمده و اسلحه را تحویل نمی‌دهند! امام می‌فرمایند من ایشان را می‌شناسم، ایشان در زمان شاه هم مسلح بود! در این جلسه، حضرت امام فرمودند همه ما باید مثل آقای حسینی، مسلح باشیم!»

**با توجه به وقایع سال ۱۳۵۸در استان آذربایجان غربی و بروز درگیری‌های قومی با تحریک گروهک‌های ضدانقلاب، در روزهای آغازین تأسیس نظام اسلامی، نقش ایشان در مهار این فائله را، چگونه می‌بینید؟**

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بسا تحریک گروهک‌های ضدانقلاب، در مناطق غرب کشور از جمله استان آذربایجان غربی، توسط عوامل حزب دموکرات و کومله، درگیری‌هایی به وجود آمد و فائله نتهده، آشوبیه و پیرانشهر، مهم‌ترین مصداق آن به شمار می‌رفت. به آقای حسینی اطلاع دادند بنده به شدت درگیر شده و ضدانقلاب در تاش است تاین شهر را، در اختیار خود قرار بگیرد. این وارد عمل می‌شود و با جمعی از نیر‌وهای مسلح خود، به سوی نتهده حرکت می‌کنند و وارد شهر می‌شوند. مردم غیرتمند سلسوز، از حضور آقای حسینی روحیه می‌گیرند و جانانه با ضدانقلاب درگیر می‌شوند و با شجاعت، تمام ضدانقلاب را شکست می‌دهند. فرمایشات مقام معظم رهبری در تجلیل از خدمات مرحوم آقای حسینی، گویای فداکاری و مجاهدت‌های ایشان در آن دوره است: «خوب است یادی کنیم از آقای حسینی… ایشان جزو کسانی است که در این حوادث انقلاب اسلامی، الحق والانصاف امتحان خوبی دادند. در دوران مبارزات، دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، زمان جنگ و بعد از جنگ، به ویژه در قفقایای اشنوبیه و نتهده، مجاهدت‌هایی کردند که فراموش نشدن است.»

**از نظر شما، دلیل فضا سازی رسانه‌های جریان موسوم به اصلاحات، درباره سخنان و مواضع ایشان در خصوص مسائل سیاسی روز، چه بود؟**

خوب است جواب این سؤال را، از زبان خود آقای حسینی بشنویم. یکی از دوستان که–خودشان اهل قلم هستند– نقل می‌کنند: در زمان دولت خاتمی، روزنامه‌های جریان اصلاحات، هم‌منوا با رادیو تلویزیون‌های بیگانه، به شخصیت مرحوم آقای حسینی اهانت و سخنانشان را آمیخته با تحریف منمکس می‌کردند. اینکه ایشان هیچ واکنشی از خودشان نشان نمی‌داد، ما را گله‌مند کرده بود.



حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد فخری